

17 سپتمبر 2020

داکتر سید عبدالله کاظم

شاه امان الله غازی و برنامه های انکشاف معارف درکشور

(به مناسبت صد و یکمین سالگرد استرداد استقلال کشور)

بخش چهاردهم

آغاز جنگ "علم و جهل":

طوریکه در مباحث گذشته خاطر نشان شد، شاه امان الله غازی بعد از حصول استقلال فکر کرد که کشور دیگر زیر تهدید خارجی قرار ندارد و وقت آن رسیده است تا به به تحولات اساسی بپردازد. طی دوره اول (1919 تا 1924) شاه کوشید تا برخرابه های نظام کهنه قبایلی شالوده یک دولت عصری را بر مبنای قانون و نظم به وجود آورد: اصلاحات اداری در داخل اورگان حکومت، انفاذ قانون اساسی و احترام به آزادیهای فردی، وضع قوانین و نظامنامه ها در ساحات مختلف (تا آنوقت بیش از 50 نظامنامه نافذ شده بودند)، رجوع به نظر مردم و فراخواندن لویه جرگه به حیث یک مرجع عالی تقنینی، اصلاحات امور مالی، توجه به امور معارف و برای اولین بار افتتاح مکاتب نسوان و تساوی حقوق زن و مرد، از بین بردن امتیازات و معاشات مستمری بعضی خانواده ها و القاب شان، همه از جمله نوآوریهای مهم و بسیار بحث انگیز بودند. مسلم است که بسیاری از این تحولات عمیق به منافع کلی طبقات صاحب امتیاز از جمله خوانین، زمین دارها، خانواده های اشرافی و به خصوص یک عده روحانیون متعصب صدمه رسانید و به تحریک انگلیس ها که از استقلال خواهی شاه امان الله و اثرات آن در سرزمین هند درصدد انتقام از او بودند، قیام خوست را براه انداختند و آنرا به یک جنگ تمام عیار در مقابل دولت تبدیل کردند تا بدانوسیله افغانستان را از مسیر تحول مزید باز دارند و بار دیگر آتش جنگ داخلی را در کشور شعله ورسازند.

در سال 1303 ش (1924) شماری از ملاءها و روحانیون افراطی به تحریک انگلیس علیه دولت دست به تبلیغ زده مردم را به شورش واداشتند. آنان تمامی اصلاحات دوره امانی را خلاف دین اسلام خوانده، این شاه مترقی و وطن دوست را کافر و جهاد علیه او را فرض اعلان کردند که موجب بروز شورش در سمت جنوبی گردید. اکثر محققان سیاسی به این نظر اند که عمده ترین بهانه ویا دلیل شورش خوست همانا از یک طرف موضوع تعلیم و تربیه نسوان و از طرف دیگر محتوای قانون اساسی در مورد آزادی های فردی و مسئله جلب و احضار عسکر به رویت قانون "هشت نفری" و همچنان محتوای نظام نامه نکاح عروسی و دادن حقوق برای زنان بوده است که همه ای این اقدامات منتج به تضعیف قدرت همیشگی مردها در جامعه عنعنوی مردسالار افغانستان میشد.



آستا اولسن در کتاب "اسلام و سیاست د افغانستان" در زمینه می نویسد: «شورش خوست در مارچ 1924 بر ضد اصلاحات اجتماعی دولت امانی بر رهبری ملا عبدالله مشهور به "ملای لنگ" و سایر ملاءهای آن سمت به تحریک و رهنمایی روحانیون پرنفوذ مرکز به راه افتاد. در شورش خوست یکی از مریدان حضرت صاحب شوریزار بنام عبدالغنی، قبایل سلیمان خیل را در کنار ملاء عبدالله و ملاء عبدالرشید سهاکی قرار داد. این دو ملاء در دستی قرآن و در دست دیگر قانون جزا را گرفته در میان قبایل که متأسفانه از سواد و دانش بی بهره بودند، فریاد میزدند: "کدامیک را قبول دارید! قرآن یا قانون را؟" و طبعاً مردم میگفتند: "قرآن را" و سپس مردم را بشورش دعوت میکرد». (اولسن، آستا: "اسلام و سیاست در افغانستان، ترجمه خلیل الله زمر، دمنارک، 2001، صفحه 131 - 132) [عکس ملاء عبدالله مشهور به "ملای لنگ"]

از آنجائیکه امروز وطن بعد از گذشت صدسال بار دیگر دچار مبارزه با "علم و جهل" است و طالبان با ادعای "اسلام ناب و خالص محمدی" همان روند یک قرن قبل را مثل ملاء عبدالله و ملاء عبدالرشید در پیش گرفته و خواهان

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایزولو مخکې په ځیر و لولئ

برگشت به عقب می باشند و باز هم می گویند: «تعلیم زنان درست، اما نه درصنف های مختلط با پسران!» که این ادعا باز هم محروم ساختن نیمی از بیکر اجتماع را از حق حقه شان درقبال دارد؛ و از انجائیکه درافغانستان این بار بجای انگلیس در آنوقت، اکنون دست های دراز بیرونی دیگر، بخصوص پاکستان و تغییر موقف ایالات متحده امریکا در حمایت مستقیم و غیرمستقیم از گروه طالبان عقبگرا دراز شده و افغانستان را در آستانه عین حالت سال 1924 قرار داده است، لذا ایجاب میکند تا باره این "برگشت تاریخ به عقب" یعنی غائله جنوبی - مسمی به شورش ملای لنگ و ورود عبدالکریم" و فعالیت دست های مرموز اعم از داخل و خارج کشور کمی به تفصیل پرداخته شود:

استیوارت نویسنده کتاب "آتش درافغانستان" درباره می نویسد: درسال 1924 شورش در خوست شروع گردید، مردم منگل که در عصرامیرحبیب الله خان سراج نیز شوریده بودند، باردیگر اعلام کردند که نظامنامه امان الله خان و قانون ساخت وی که به عوض شریعت تطبیق میگردد، خلاف دین اسلام است و با این دلیل به قیام آغاز نمودند. دولت عساکر را به خوست اعزام کرد. شاه ولیخان قوماندان آنجا به مردم باغی گفت که چند نفر از علمای دین می آیند و با شما صحبت میکنند. ملاها به ریاست شیرآقا حضرت شوربازار [نورالمشایخ فضل عمر مجددی] به شهرک "متون" در خوست رسیدند و حضرت شیرآقا نامه امان الله خان را برای شان قرائت کرد و گفت که اگر نظامنامه ضد شریعت است، حکومت آنرا لغو میکند و شورشیان موافقه کردند. اما وقتی این پیام را حضرت شیر آقا به امان الله خان رسانید، مورد قبول شاه واقع نشد. در این اثناء شاه از محمد نادرخان [سپهسالار] خواست که با قبایل در مورد بحث نماید و آنها را به قبولی خواسته های دولت قانع سازد، اما نادرخان نپذیرفت و شانه خالی کرد، زیرا وی در باطن شورش را دامن می زد. نادرخان گفت که وی باین قبایل خود را مواجه نمیسازد، زیرا قبلاً حکومت با آنها خلاف وعده عمل کرده بود. «[ریه تالی در ادامه از تماس نادر خان با سفیرانگلیس در سفارت آن کشور درکابل و نا رضایت های وی از شاه امان الله شرح میدهد که خارج موضوع بحث این نوشته میباشد. - کاظم] (برای شرح مزید دیده شود: استیوارت، ریه تالی: "جرقه های آتش در افغانستان"، مترجم: یار محمد کوهسار کابلی، پشاور، 1380، صفحه 41 - 43)

تدویر لویه جرگه 1303 در پغمان - کابل:

هنوز جنگ بین قوای دولت و باغیان در سمت جنوبی به شدت ادامه داشت که شاه امان الله به دلیل جنگ در جنوبی دومین لویه را با اشتراک 1054 نفر بتاريخ 20 سرطان 1303 (24 جولای 1924) کمی زودتر از وقت معینه در کابل دائر کرد (برطبق فیصله لویه جرگه 1301 باید هر سه سال لویه جرگه دائر میگردد)، تا بدانوسیله با تائید لویه جرگه نظامنامه های دولت را برطبق موازات دین اسلام مشروعیت ببخشد. لویه جرگه تا 9 اسد دوام کرد و یکی از پرشورترین جرگه ها بود و علمای دینی بر تعدیل بعضی مواد چند نظامنامه تأکید و اصرار داشتند و شاه امان الله که در طول جلسات حاضر بود و در هر مورد تشریحات لازم در برابر سؤالیهای اعضا ارائه میکرد، با مدارا و تفاهم با وکلاء از نرمش کار میگرفت و ناگزیر بود تا از بعضی خواسته های آنها با مسامحه بگذرد و به خواست علمای دینی تن دهد. البته هدف اصلی شاه امان در این عقبگردها حصول تائید علمای دینی بود مینی براینکه نظامنامه با مسایل دینی منافات ندارد و مطابق به شریعت است. با اینکار علمای دینی و در مجموع همه اعضای لویه جرگه پس از پاره تعدیلات این موضوع را تصویب و اعلام کردند که دست آویز مهم بر علیه ادعاهای شورشی های جنوبی بود. لویه جرگه بعد از مباحثات طولانی تحت تأثیر جنگ درخوست و تلفات زیاد قوای حکومتی کوشید تا نرمش اختیار کند و بعضی از اقدامات را به طبق خواست نماینده گان تعدیل نماید. این برگشت عبارت بود از بسته شدن دروازه تعلیم برای دختران، جواز نکاح دختر صغیر، اعاده صلاحیت قاضی در تعزیرات، کشتن سارق در تکرار عمل، شرکت قاضی و ملاء در محکمه مامورین دولت، گماشتن محتسبان برای امر احتساب، تنظیم امور ملاء و مؤذن بدوش دولت، مقید ساختن آزادی فردی محض به امور شخصی که امور سیاسی و عقیده وی را شامل نمیشد، اعاده حق ازدواج مرد با چهار زن، جواز تادیبه نقدی و یا عوض برای خدمت زیر پرچم، تاسیس دارالعلوم عربی و دارالحفاظ و چند فقره دیگر. (برای شرح مزید در موارد قابل مناقشه دیده شود: کتاب "رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"، مهمتم و گردآورنده: برهان الدین کشکی، چاپ سنگی در مطبعه دائره تحریرات شاهی، دلو 1303، صفحه 300 تا 341؛ قابل ذکر است که چون این کتاب مهم سالها بعد از سقوط رژیم امانی به نحوی نایاب گردید، لذا اینجانب تصمیم گرفت تا به باز نشر آن از روی یک نسخه که از آرشیف هند بدست آمده بود، بپردازد و متن مکمل آنرا سر از تاریخ 10 اگست 2016 به سلسله در 28 قسمت در افغان جرمن آنلاین به نشر سپرد. علاقمندان میتوانند در آرشیف نویسندگان تحت نام اینجانب آنرا مطالعه بفرمایند.)

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

«ضرورت تعلیم نسوان در نشیمنهای شان»:

اگر از ذکر دیگر موضوعات مورد مناقشه لویه جرگه بگذریم، جا دارد که در اینجا به موضوع تعلیم زنان که پس از مباحثات زیاد شاه مجبور گردید نظر خود را در مورد تعلیم نسوان تغییر دهد و به اراده و نظر وکلای لویه جرگه که در همچو مسایل علمای دینی و ملاء ها به استناد روایات فقهی با جدیت و اصرار سخن می گفتند، قبول نماید، چنانچه لویه جرگه در زمینه به حضور شاه پیشنهاد کرد:

لویه جرگه: «ما علماء و سادات و مشائخ ملت افغانستان بحضور اعلیحضرت غازی مان عریضه پردازیم. چون ذات همایونی جهت رفاهیت و ترقی ملت و دولت جد و جهد بلیغی را بکار برده و میبندند حتی که از کمال توجهات عالی شاهانه شان مکتب مستورات را نیز مقرر کرده اند. الله تبارک تعالی وجود مبارک اعلیحضرت غازی را پاینده داشته باشد که همواره ترقیات ملت و دولت را ملحوظ داشته باشد. اما قرار مسائل مسلمة و روایات مفتی بها فقه شریف بانستی تعلیم و تحصیل نسوان در خانه های خود از اقارب خود محارم شان باشد تا از آن تعلیم دینی که فرض منصبی ما ملت افغان است، محروم نمانند. بنابراین از شریعت پروری اولی الامر خود مختار غیور ما امید میشود که تعلیم جمعیت نسوان در مکتب ها نشود تا مسئله حجاب و ستر که یک فرض ضروریست، برای نسوان اسلامی خوبتر و بهتر حاصل شود. آنچه معلومات شرعی درین موضوع به نزد این خادمان دین مبین بود، عرض شد. اگر حضور والا را تسلی و اطمینان بر نوشته مایان بشود، بهتر و الی درین مسئله از دیگر علمای اسلامی ممالک خارجه هم معلومات و افره و فتوهای موثقه را نیز حاصل فرمایند.»

اعلیحضرت در جواب فرمود: «اگر چه در موضوع تعلیم نسوان گفت و شنید ما و شما قبلاً به پایان رسیده و مفکوره تانرا درین مسئله قبول کرده ام، لکن باز هم میخواهم که توجه شما علمای اعلام و فضلالی کرام ملت عزیزم را بسوی این نکته مهمه بنمایم که درین مورد باید ما و شما از عقل و فکر و طرز عمل عموم عالم اسلام کار بگیریم و مزید بر آن روا دار نشویم که طبقه اناتیه ما در یک عالم جهالت و نادانی و فرومایگی زندگانی کنند. تعلیم طبقه اناتیه از حد ضروریست و نباید ما و شما به مخالفت حدیث (طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمته) برانیم و نباید بگوئیم که ما افغانیم باید زنان ما از راه خدا و رسول و مبداء و معاد خود بیخبر بوده در یک عالم جهالت و نادانی باشند. بایستی ما برحال آن اطفال خود که تقریباً تا بعمر هشت سالگی در اطراف و جوانب مادر و خواهر و خاله و عمه و دیگر اقارب اناتیه خود زندگانی مفیده اولیه خود شانرا بسر میبرند، ترحم کنیم و محض جهت تعلیم و تربیه آن اطفال درین مکتب نخستین که مکتب آغوش مادر گفته میشود، آنها را از مسایل ضروریه مطلع کرده اطفال خود را ازین فیض عموم محروم نداریم. بالای ما و شما لازم است که طبقه نسوان خود را عالم و دانسته و مطلع از فرائض و واجبات و سنن و مندوبات و دیگر ضروریات بنمائیم. تا اولاده ما و شما در همان صغارت که تعلیم آنرا پیغمبر ما (کالنفش فی الحجر) گفته است و اهل سلف همین تعلیم را میگویند: «با شیر اندرون شده با جان بدر شود»، از اخلاق و عادات و اطوار خوب مستفیض و با آداب و صفات خجسته، متحلی [آراسته] شوند.»

اعلیحضرت در ادامه فرمود: «گاهی طرفدار این امر نبوده و نمیباشم که صبیاتی که قریب به راهقی [بلوغ] باشند، در مکتب آمده تعلیم گیرند بلکه مفکوره و نظریه من نظر به مفاد بزرگ و ملحوظات سترگی که به شمه از آن در فوق اشاره شده بود، چنانکه صبیات خورد سال با همه گونه مراعات ستر و پرده در مکتبی که کاملاً محفوظ و مستور است و معاملات آنها نیز نسوانند، آمده تعلیم گیرند. اکنون که شما علماء میگویند که خروج صبیات نیز برای تعلیم مستحسن نیست، بالفعل ما درین مفکوره تان با شما محض مراعات شرع شریف متفقیم، اما گمان نمیکنم که دیگر علمای عالم اسلام و فضلالی هند و سند، مصر، مکه معظمه، مدینه منوره، شام، بیت المقدس، بغداد، بصره، کوفه و ترکیه درین نظریه با شما متفق باشند، زیرا که در هر یکی ازین بلاد معظمه اسلامیة بتعداد غیر واحده مکاتب اناتیه موجود است.» {درینجا وزیر صاحب معارف و محمد اکرم خان مدیر نیز به تائید این مقوله همایونی یکی بعد از دیگری مقالات مشرح و موضعی را ایراد داشتند، ازینرو علماء گمان نمودند که شایدان مبحثی را که قبلاً ما فیصله نموده بودیم، باز سر از نو اعاده میشود. لهذا از هر گوشه و کنار باز دروازه بحث و گفتار مفتوح شد. بنابراین ذات جهانبانی قطع کلام متعرضین و مدافعین را نموده گفتند. ب.د.}

اعلیحضرت برای خاتمه بحث علاوه کرد: «این مبحث چنانچه مذکور شد فیصله شده خودم بالفعل بر طبق مفکوره همین حضرات تعلیم صبیات را در خانهای شان امر و اراده میکنم. در میان شما غلط فهمی واقع شده، بحث نکنید. من میخواهم که درین ضمن این علمای محترم را بیک امر دیگر دعوت و تکلیف کنم و آن اینست که باید این

حضرات معظم که دعوی خانه نشینی صبیات معصوم و طفل های خورد سال ما را میکنند و ما سماعاً و طاعتاً محض احترام احکام شرع شریف که برای ما درین موضوع از آن نام میبرند، او را قبول میکنیم. در قری و اطراف و قشلاقها بر نسوان نو جوان و دوشیزگان و دیگر زنان کوچی و افغانه کوه نشین و عموم سکنه افغانستان نیز بقوه تبلیغیه و وعظ و نصایح لازمه ستر و حجاب را حتمی و لازمی قرار بدهند و تا لویه جرگه آینده در سرتاسر افغانستان آن ستر و حجابی را که شریعت پاک برای زنان مسلمانان مقرر داشته است، جاری و حکم فرما نمایند. اگر درین باب از حکومت اجازت و تسهیلات بخواهند، دریغ نمی شود. فاما اگر تا بموعد لویه جرگه آینده حجاب و ستر در بین عموم رائج نشد و یا احدی ازین زنان که هر روزه به صدها نفر آنها بی حجابانه بنظر میخورند، دیده شده، بار مسولیت آن به همراه ناغگی به گردن شما حضرات معظم است». [این راه گریز بود که بعداً چون علما و وکلاء نمیتوانستند زنان اطراف را مجبور بر رعایت حجاب کامل سازند، لذا شاه خواست با این وسیله برای باز کردن مجدد مکتب دختران دلیلی در دست داشته باشد. - کاظم]

علمای لویه جرگه: «ازین تقریر سراپا تاثیر همایونی تحت رقت مزید آمده ازین طرفداری همایونی آثار شادمانی را نشان داده متعهد شدند که حتی الوسع در ترویج ستر و حجاب در بین عموم طبقه انائیه افغانیه به وعظ و نصایح و تبلیغات مذهبی کامیابی حاصل خواهند کرد و تا موقع انعقاد لویه جرگه آینده در سرتاسر افغانستان زنی بی پرده انشاء الله تعالی بنظر نخواهد خورد.»

پس از آن لویه جرگه موضوع اعزام شاگردان را به خارج مطرح کرد، با این عبارات:

لویه جرگه: «ما تعلیمات طلبیه موجوده افغانی را که بالسنه اجنبی جهت اخذ فنون عالی و تعلیم علوم مروجه حالی مشغولیت دارند، محض بغرض حصول ترقیات حاضره و تعالیات موجوده دنیای امروزه که افغانستان را ما بدان بسیار محتاج و شائق مینگریم، بنظر استحسان نگریده جانشینان میباشیم، مشروط بر اینکه در عقیده های متبرکه و اصولات مقدسه دینی این نو باوگان وطنیه ما خلل و نقصانی وارد نگشته بیشتر از رفع احتیاجات خویش در آن تعلیمات مشاغل نوزند و هم در اصول اسلامی و عقائد و روایات مذهبی خود قبلاً کسب اطلاعات نموده باشند.»

اعلیحضرت: «بسیار خوب! حکومت شما نیز بتحصیل و تعلیم السنه غیرمسلّم را محض برای رفع ضرورت و دفع احتیاجات ملت و مملکت و دولت جائز می پندارد و بیشتر مترقب و نگران است که در عقائد و اصول دینیات این فرزندان افغانیه اسلامی ما خلل و نقصانی بوقوع نه انجامد. برای طلبیه مکتب امانیه و امانی که السنه فرانسه و آلمانی می آموزند، در همان مکاتب تعلیمات اسلامی نیز مانند قرانت، دینیات، فارسی، عقاید و حسن خط اسلامی نیز تعلیم داده میشود و نگران و مترقب حرکات و افعال شان اساتذّه وطنی شان میباشد و برای آن طلبیه افغانی که بخارج جهت تعلیم رفته اند، بهمه شما معلوم است که علاوه بر نگرانی وزراء مختار و سفراء افغانی مفتش علیحده و نگران جداگانه و معلمین اسلامی نیز مقرر است تا در اخلاق و عادات شان نقص و سونی وارد نشود.» {مسرت لویه جرگه و غلغله تکبیر و آواز های دعا گویی عمومی} (کتاب "رویداد لویه جرگه..."، صفحه 330 تا 334)

در پایان مباحثات شاه بر اهمیت تعلیم برای جوانان بار دیگر خطاب به وکلاء تأکید کرد و فرمود:

اعلیحضرت: «دو توصیه را خواهشمندم که برای تان بنمایم که در آن هیچ فکر کردن لازم نیست و اجراء آن حتمی و لازمیست: یکی - آنکه بچه های خویش را بسوی علوم و فنون تشویق بدهید، چرا که خود میدانید ترقیات دینی و دنیوی ما وابسته بعلم است که "بیعلم نتوان خدا را شناخت"، میباید در هر نقطه و هر جائیکه باشید اولاد های تان در آنجا درس بخوانند و فنون لازمه را بیاموزند و بدین الفاظ مختصر که من بحضور شما عرض کردم بیشتر بیشتر تا که میتوانید در تعلیمات اولاد و عائله خود بکوشید در هر جای که رفتید از طرف من وکیل هستید که این توصیه ام را بعموم ملت ابلاغ دارید و دیگر اینکه از منسوجات وطن برای خود لباس تهیه کنید...» لویه جرگه: «ازین معارف خواهی و عرفان پروری همایونی اظهار تشکرات مزیدی را نموده تماماً متعهد شدند که در ترویج علوم و تشویق اهالی بسوی تعلیم تا جان در بدن و روح در تن مان باشد، مساعیات اسلامیات کارانه خود ها را مبدول میکنیم.» ("رویداد لویه جرگه..."، صفحه 354)

همچنان جرگه بعد از پاره تعدیلات فیصله و رسماً اعلام کرد که قانون اساسی کاملاً مطابق شرعیت اسلام است و کسانیکه بر علیه آن قیام کنند، باغی و مستوجب جزاء پنداشته می شوند. دریک قسمت این اعلامیه چنین آمده است: «مجلس لویه جرگه که عبارت از علماء و سادات و مشایخ عظام و وکلاء و روساء کرام کل مملکت محروسه مان

افغانستان (صانها الله تعالى عن التزلزل و الحد ثان) بغرض تحقیق و تدقیق در امور شرعیه حنفیه و مسائل جزئییه و کلیه فقهیه مطهره و انجاح و بهبود مهمات ملکیه و سیاسیه در مرکز دولت علیه متبوعه مان دارالسلطنه کابل تحت ریاست اعلیحضرت پادشاه غازی معظم مان منعقد گردیده و در تحت نظر غور و تدقیق مجلس عالی لویه جرگه درآمد، مخصوصاً مهمات شرعیه مبارکه که در نظامات دولت دخل داده شده بود، از نظر عموم ما علما و مشائخ لویه جرگه گذارش یافت. ما خادمان و پیروان دین مبین متین اسلام فرمایشات و نیات و نظریات پادشاه محبوب القلوب خود مان را یگان یگان بگوش خود ها شنیده و بچشم خود ها مشاهده نموده قلباً احساس کردیم که عموم نظامات موضوعه دولت مستند بر اساس شریعت غرای محمدی (ص) و اجرای احکام قرآن مطابق مذهب مذهب حنفی بوده و هست و میباشد و بعضی روایات ضعیفه که در نظامات دولت مطابق آرا و فتوای علمای مرکزیه قبلاً فتوی داده شده در محل اجرا آمده بود، آن گونه مسائل نتیجه روایات ضعیفه بود که از طرف علماء تجویز گردیده بود و ما علمای لویه جرگه آن مسایل را مطابق احکام شرعیه حنفیه و روایات قویه فقهیه اصلاح نمودیم که هیچگونه شبهه در قلب و خاطرهای عموم ما علمای افغانی باقی نمانده و مسائل مشتبهه را در ذیل اعلان هذا تذکار نمودیم^(۱) تا باعث اطمینان کلیه خاطرها و قلوب عموم اسلامیان شود و ما علماء، سادات، مشایخ، وکلاء، روساء و عموم برادران دین و اسلامی خود مان را اخبار مینمائیم که هر فردیکه بر خلاف حکومت و دولت معظمه و یا نظامات موضوعه دولت علیه مان به تشبثات خائنانه و یا غرضات شخصیه بالذات و یا تحریکاً اقدام نماید، اولی الامر در اجرای هر گونه مجازات از حبس و ضرب و نفی الی اعدام در باره اش شرعاً مأذون و مختار است و ما عموم علماء، سادات، مشائخ، روساء و وکلاء برای رفع و دفع آنگونه خائنان که لکه در تاریخ حیات باشند و شرف ما افغانیان میگذارند، بهر گونه فداکاری حاضر و آماده بودیم و هستیم و میباشیم.» (متن مکمل اعلامیه دیده شود: "رویداد لویه جرگه...، صفحه 346 تا 349)

(ادامه دارد)

د پانیو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په ځیر و لولئ